

ادوارد براون در حاشیه سنت شرق شناسی

الناز عزتی*

ذوالفقار علامی**

چکیده

شرقی‌ها در آثار شرق‌شناسان اغلب مردمانی نابالغ، ناتوان از اداره‌کردن خود و نیازمند قیّم به تصویر کشیده شده‌اند. بازنمایی این تصاویر برای مشروعیت‌دادن به قدرت غرب است و شرق (بر اساس رابطه دیالکتیک دانش / قدرت از منظر فوکویی) به صورت انسانی فاقد عقلانیت مدرن نشان داده می‌شود؛ به همین دلیل نیازمند قیّم و هدایتگر است. این نوع تصاویر از گزاره‌های بدیهی در سنت مسلط شرق‌شناسی به شمار می‌رود؛ اما در کنار این تصاویر، برخی شرق‌شناسان، تصویری مبتنی بر بیداری و بلوغ ایرانیان ارائه کرده‌اند. این تشتت تصاویر از تعاد سنت‌های شرق‌شناسی (و نه یکدستی آن) نشان دارد. هدف این پژوهش به چالش کشیدن تصویر شرق در سنت شرق‌شناسی مسلط است. یکی از راه‌ها، به متن آوردن نگاه شرق‌شناسانی است که در حاشیه سنت حاکم شرق‌شناسی قرار گرفته‌اند. این امر اعتبار تصویر در گفتمان مسلط را مخدوش و در نتیجه، سنت شرق‌شناسی را از یکدستی خارج می‌کند. از کسانی که به گزاره‌های بدیهی سنت شرق‌شناسی در آثارش نپرداخته، ادوارد براون است. بازنمایی تصویر ایران در رویکرد براون، آن تصویر کلیشه‌ای مبتنی بر فقدان عقلانیت مدرن ایرانیان در گفتمان شرق‌شناسی را بر هم ریخته است. از دیدگاه براون، روحیه و افکار ایرانی‌ها در عصر مشروطه، در اندک زمانی، پیشرفت‌های برجسته‌ای کرد. او ترقی فکر ایرانیان را در زدودن تحمیل‌های

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران (نویسنده مسئول)،

ezatielnaz95@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء(س)، تهران، zalami@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸

ستمگرا نه غریبان و قاجاریه و بیداری نسبت به مسؤولیت تاریخی خود - که آغاز حرکتی خردمندانه است - ستایش کرده است.

کلیدواژه‌ها: شرق‌شناسی، حاشیه، گسست، فوکو، براون.

۱. مقدمه

شرق‌شناسی دانشی است مدرن در جهان غرب و از دوران مدرن مقوله شناخت شرق به نظام معرفت‌شناختی غرب وارد شد. یک‌سویگی و ویژگی چنین شناختی است. نکته درخور تأمل بازنمایی تصویرهایی از شرق برای مشروعیت دادن به قدرت غرب است و شرق (بر اساس رابطه دیالکتیک دانش / قدرت) به صورت انسان فاقد عقلانیت مدرن نشان داده می‌شود؛ به همین دلیل نیازمند قیم و هدایتگر است؛ اما رسیدن به چنین تصویری از شرق نیازمند یکدست‌سازی آن است. به عبارتی دیگر، بدون یکدست کردن شرق نمی‌توان از شرق یا ایرانیان کودکانی نابالغ ساخت که نیازمند حمایتگری دیگران باشند، به همین دلیل، برخی جنبه‌های شرق حذف شده است. برای مثال، این تصاویر در سفرنامه ایران و قضیه ایران، اثر لرد جرج کرزن، مشهود است. در نگاه او، ایرانیان مردمانی معرفی می‌شوند که بسیاری از رفتارها و عادات آنان نسبتی با جهان مدرن ندارد و کودکانه تصویر می‌شود. در این اثر، ایرانیان افرادی ناتوان از حکومت کردن بر خود و نیازمند هدایت و سرپرست تصویر شده است که به مثابه گزاره‌های بدیهی سنت حاکم شرق‌شناسی پذیرفته و بازتولید می‌شود.

نظریه شرق‌شناسی سعید به طور دقیق، واکنشی است به چنین بازنمایی‌ای از شرق. هدف سعید از ارائه این نظریه نه تنها نشان دادن اعوجاج تصویری است که غرب از شرق ارائه می‌دهد، بلکه او می‌خواست رابطه سلطه‌آمیزی را که نتیجه این تصویر بود، دگرگون کند. در حقیقت، او می‌خواست رابطه یک‌سویه و نگاه حاکم و یکدست‌انگار سنت شرق‌شناسی را بر هم زند و بی‌اعتبار کند. از این رو، برای بر هم زدن تصویر نشئت‌گرفته از گفتمان حاکم شرق‌شناسی توجه خود را بر گفتمان حاشیه و تصویرهای حذف و طردشده معطوف کرد. در این شیوه، آن نگاه حاکم و یکدست‌انگار سنت شرق‌شناسی بی‌اعتبار شده است.

در این پژوهش، در کنار تصاویر مطرح‌شده در اثر کرزن، به عنوان تصاویر بازتولیدشده سنت حاکم شرق‌شناسی، به نگاه براون بر ایران توجه شده است که در مقایسه با

شرق‌شناسانی چون کرزن، به بازتولید گزاره‌های بدیهی و پیش‌فرض‌شده سنت حاکم شرق‌شناسی پرداخته است و در حاشیه سنت شرق‌شناسی قرار دارد. در نگاه براون، ایرانیان افرادی آگاه به مسائل روز، دارای فهم و استعداد، روح ادبی فناپذیر و گریزان از استبداد تصویر شده‌اند. او به غربیانی که منکر وجود روح ادبی در ایران کنونی بودند و مشروطه را خارج از استعداد ایرانیان می‌دانستند، پاسخ داده و با به تصویر کشیدن اقدامات ایرانیان در اداره کردن کشور و مبارزه با استبداد، به نوعی باور خود را به توانایی و خردورزی آنان نشان داده است.

پژوهش حاضر که با رویکردی شرق‌شناسانه انجام خواهد گرفت، در ابتدا، تصویر بازنمایی‌شده از ایران در اثر کرزن را نشان می‌دهد و در ادامه، با رجوع به تصاویر آثار مستشرقانی چون براون، به تحلیل تصاویر او پرداخته است که در حاشیه سنت مسلط شرق‌شناسی قرار دارد.

هدف پژوهش حاضر این است که دریابد چگونه می‌توان درستی، پایایی و اعتبار تصویر شرق را در سنت شرق‌شناسی به تردید کشاند و از یکدستی خارج کرد. همان‌طور که ذکر شد، یکی از راه‌ها به متن آوردن نگاه شرق‌شناسانی است که در حاشیه سنت شرق‌شناسی قرار گرفته‌اند. این تشتت آرا را می‌توان تا حدی بر اساس رویکرد شرق‌شناسانه سعید بررسی کرد. این پژوهش از جمله پژوهش‌هایی است که به آثار مستشرقان از این منظر نگریسته است.

برای نمونه، نویسندگانی که به بررسی آثار براون پرداخته‌اند، از منظر شرق‌شناسی سعید یا مبحث بی‌اعتبار کردن تصویر یکدست از شرق نپرداخته‌اند و به بازنمایی ایران در آثار براون - به مثابه نگاه به حاشیه رانده‌شده سنت شرق‌شناسی که امکان پدیدار شدن برای شرق را ممکن می‌کند - توجه نکرده‌اند. آنان به مبحث شرق‌شناسی سعید و معضله‌های ذات‌انگارانه شرق‌شناسی پرداخته‌اند؛ اما رویکرد براون را در مبحث نظریه سعید در امر ایجاد گسست از سنت شرق‌شناسی بررسی نکرده‌اند.^۱

جبار رحمانی در کتاب *ایرانی از نگاه «دیگری» منطق فهم ایران در سفرنامه‌ها*، به تداوم پیش‌فرض‌های گفتمان شرق‌شناسی در آثار شرق‌شناسان، به عنوان رابطه‌ای یک‌سویه و درآمیخته با فهمی از پیش تعیین‌شده توجه کرده است و به این مبحث بر اساس منطق فهم گادامر پرداخته است که «من» معنا را به «تو» تحمیل نمی‌کند، بلکه اجازه می‌دهد «دیگری» با توجه به «دیگری» بودنش، خودش درباره خودش سخن بگوید. در این اثر نیز لزوم

بی اعتبار کردن تصویر اولیه سنت شرق شناسی حاکم و تبدیل رابطه گفتگویی را در امکان سخن گفتن ابژه از جانب خویش می داند و از منطق فهم گادامری بهره برده است که با شیوه بررسی پژوهش حاضر متفاوت است. در کتاب *سفر اروپاییان به ایران*، اثر شیبانی، به نقطه آغاز شناخت اروپاییان و بیشتر فرانسویان از ایران توجه شده و به تداوم پیش فرض های شرق شناسی در شکل یافتن شیوه فهم جهانگردان از شرق توجه داشته است و راه حلی برای رفع نگاه حاکم برای دیده شدن حقیقت نزدیک به واقعیت شرق ارائه نداده است. عباس امام در کتاب *انیرانی در خدمت و تمدن ایرانی*، به ذکر خدمات علمی و پژوهشی مستشرقانی پرداخته است که با سیاست های سنت شرق شناسی مسلط همسو نبوده و ایرانیان را از زوایای خمومل به دایره شهود آورده اند و پژوهش های آنان را از انشعابات شرق شناسی دانسته است؛ اما به بازنمایی تصویرهای ارائه شده این مستشرقان از ایرانیان نپرداخته است. با ذکر این پیشینه، توجه به نگاه های در حاشیه برای پدیدار شدن شرق با تمام ظرفیت خود ضرورت پژوهش در نگاه های غیر حاکم در سنت شرق شناسی را نشان می دهد.

۲. شرق شناسی ادوارد سعید و مبانی آن

شرق شناسی دارای تعاریف متعددی است که عمده ترین آن در اثر *شرق شناسی ادوارد سعید* بحث شده است. ادوارد سعید مفاهیم متعددی برای شرق شناسی طرح کرده است آنچه بیشتر مد نظر ادوارد سعید است «شرق شناسی به صورت نهاد فراگیر برای سلطه بر مشرق زمین و تغییر ساختار آن و اعمال قدرت بر آن است» (سعید الف، ۱۳۹۴: ۲۰-۲۲) به نظر سعید «شرق شناسی در اساس یک نظریه سیاسی است که بر مشرق زمین تحمیل شده است» (همان: ۲۹۹) در خلال رویکردهای مختلف غرب با شرق، تنها در مناسبات استعماری است که شرق به عنوان موضوع شناخت وارد مطالعات غرب شده است و از اینجا دیالکتیک دانش/قدرت در خصوص شرق مطرح شد و عملکرد این نظام معرفت شناختی در پیوند با منافع قدرت شکل گرفت. سعید شرق شناسی را نتیجه گسترش و تثبیت همین رویکرد دانسته است.

از آنجا که شرق شناسی سعید متأثر از اندیشه های فوکوست به زمینه این تأثیر پذیری اشاره می شود. از این جهت برای فهم روش شناسی سعید لازم است مفهوم گفتمان، دانش/قدرت و ساخت حقیقت از منظر فوکو تا حدی روشن شود.

۱.۲ دانش / سلطه و حقیقت

ساخت معنا یا حقیقت ارتباط تنگاتنگی با روابط قدرت / دانش دارد «فوکو استدلال می‌کند دانش جستجوی ناب در پی «حقیقت» نیست و این قدرت است که در فرآیند اطلاعات وارد عمل می‌شود و در نهایت تعیین می‌کند که بر چه چیزی باید برجسب واقعیت زده شود. برای اینکه چیزی یک «واقعیت» به شمار آید باید از سوی صاحبان قدرت فرآیند تصویب را به طور کامل پشت سر گذارد» (میلز، ۱۳۹۵: ۱۲۰) سعید این امر را از فوکو اخذ کرده است او معتقد است فعالیت شرق‌شناسی هم‌زمان با تسلط امپریالیسم و استعمار بر شرق شکل گرفت و هم‌زمان با آن زمینه اشاعه این اندیشه از طریق تولید حقیقت فراهم شد، آفرینش حقیقت شرق (نیازمند به مداخله غرب به دلیل حقایقی نظیر ناتوانی شرق در اداره کردن خود یا صغارت شرق) سبب مشروعیت بخشی به حاکمیت غرب در شرق شد و «با قرار گرفتن نظریه قدرت در دسترس نهادها و مدارس این نظریه‌ها دارای مرجع شد» (سعید د، ۱۳۷۷: ۳۴۵) به عبارتی در این مرحله است که استعمار با خلق دانش شرق‌شناسی و بازنمایی مردمان شرق به عنوان افراد نابالغ و ناتوان از اداره کردن خود، حاکمیت خود را در شرق مشروعیت می‌دهد. این امر در شیوه فهم کرزن تأثیر گذاشته و در تصویرهایی که در مورد ایرانیان بازنمایی کرده تجلی یافته است.

۲.۲ گفتمان

از منظر فوکو گفتمان‌ها قوانین نانوشته‌ای هستند که معناها و شیوه درک و فهم ما را تعیین می‌کنند «قانون‌ها و ساختارهای نانوشته‌ای که کلام‌ها و گزاره‌های خاصی را پدید می‌آورند. گفتمان را مجموعه‌ای از قوانین هدایت می‌کند که انتشار و رواج گفته‌ها و گزاره‌های خاصی را سبب می‌شود» (میلز، ۱۳۹۵: ۹۱) در اینجا «برای تثبیت شدن چیزی به عنوان امر واقع، گزاره‌های دیگری به همان اندازه معتبر باید بی‌اعتبار شده و کنار گذاشته شوند. در اینجا قدرت / دانش به بررسی فرآیندهای نهادی و انتزاعی تری می‌پردازد که پیوسته در فعالیت‌اند و چیزهای خاصی را به عنوان امر واقعی یا دانش تثبیت می‌کنند. فوکو در مبحث دانش به بررسی فرآیندهای **طرردگری** علاقه‌مند است»^۲. (میلز، ۱۳۹۵: ۱۱۲)

این طردگری در تصویری که غربیان از شرق ارائه داده‌اند به دو صورت دیده می‌شود: اولین **طررد** (exclusion) تمایز ایجاد کردن در ویژگی‌های میان مشرق زمینیان و مغرب

زمینیان است. تمایزهایی که به برتری غرب و فروتری شرق تأکید دارند که توسط یکدست‌سازی یا یکدست کردن از شرق به همه شرقی‌ها تعمیم می‌دهند. **دومین روال طرد** تفکیک میان درست و غلط یا همان تعیین هنجار و ناهنجار برای خلق حقیقت شرق است؛ کسانی که بر مسند اقتدار نشسته‌اند در واقع همان کسانی هستند که قادر به تعیین کردن هنجار و گفتن حقیقت‌اند و این هنجار

از سوی طیفی از روال‌ها و نهادها حمایت مادی می‌شود دانشگاه‌ها، ادارات دولتی، مراکز نشر، هیئت‌های علمی و جز آن. همه این نهادها می‌کوشند تا گزاره‌هایی را که خود غلط می‌شمارند، طرد کنند و گزاره‌هایی را که درست می‌شمارند، رواج دهند (میلز، ۱۳۹۵: ۹۸-۹۷).

نمونه‌ای از این فرآیند پیچیده طرد در گزارش‌های شرق‌شناسان از شرق مشهود است؛ زیرا شرق‌شناسی به عنوان یک دانش و معرفت توسط منابع قدرت، گزاره‌هایی را معتبر دانسته که مردمان شرق فاقد آنند از جمله ناتوانی در اداره کردن خود. بازتولید چنین ویژگی‌هایی در آثار شرق‌شناسان، ضرورت مداخله غرب برای اداره کردن شرق و حمایت کردن از آن را مشروعیت می‌بخشد.

اکنون به تصاویر ارائه شده در سفرنامه کرزن، که گزاره‌های سنت شرق‌شناسی در آن بدیهی و مسلم انگاشته شده است و تجلی نگاه استعماری است، اشاره می‌شود.

۳. سنت حاکم شرق‌شناسی؛ مطالعه موردی سفرنامه کرزن

تصویر شرقی‌ها در گفتمان شرق‌شناسی غرب یکباره یا در دوره کوتاه‌مدت ساخته نشده است؛ ایستارهای رشد یافته طی قرون گذشته شکل‌دهنده تصویر شرق و ساکنان آن در ذهنیت مستشرقان امروزی است. آغاز تاریخ شناخت ایران، مصادف با رنسانس و قرن شانزده است این تاریخ همان دورانی است که انتشار سفرنامه‌ها به حداکثر خود رسید. این دوران به عنوان مبدأ عصر شناخت آسیا به شمار می‌آید که پس از آن در قرن هفدهم به خاطر فعالیت هیئت‌های تبلیغاتی مذهبی و انتشار تحقیقات عرصه‌هایی چون مردم‌شناسی و... تعلق و تجارب فکری نسبت به خاور دور به وجود آمد و هر کس که آثار آنان را تا حدی با دقت و توجه می‌خواند، ناگزیر بدان متمایل می‌گشت، این طرز اندیشه در

جهانگردان نیز نفوذ کرد از این‌رو سفرنامه‌ها نقشی مهم در جهت تثبیت این نوع اندیشه داشتند (رک. همان، ۱۳۵۳: ۱۲ و ۲۷۲).

آن چنان که شناخت کرزن از شرقی‌ها از خلال مطالعات قدما، شکل گرفته بود. «در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم با پدید آمدن یک «رنسانس» شرقی آگاهی نوینی درباره مشرق زمین آغاز شد و شرق‌شناسی به مثابه مجموعه‌ای از دانستنی‌های غرب درباره مشرق زمین پا به مرحله نوین نهاد» (سعید الف، ۱۳۹۴: ۷۵-۷۶). زمانی که شرق به عنوان دیگری وارد حوزه شناخت و معرفت غرب شد حوزه آکادمی و استعماری شرق‌شناسی نیز آغاز شد. حقیقت شرق در سنت حاکم شرق‌شناسی به عنوان دیگری نیازمند هدایت غرب شکل گرفت و پس از آن شیوه فهم مستشرقان بر همین پایه شکل یافت و در مواجهه با شرق آن تصویر را بازتولید کردند که از جمله آن‌ها جهانگردان بودند. از جمله سفرنامه‌های غربی که درباره ایران به نگارش در آمده است سفرنامه دو جلدی *ایران و قضیه ایران* اثر لرد جرج کرزن است. «او پس از کسب عالی‌ترین جایزه ادبی (۱۸۷۸) درباره بیت‌المقدس و جایزه تاریخ‌نویسی (۱۸۸۴) از دانشگاه آکسفورد، به سفر دور دنیا رفت و طی همین مسافرت نام شرق نزدیک در ذهنش نقش بست. او در پاییز ۱۸۸۹ با عنوان خبرنگار روزنامه تایمز به ایران آمد؛ در بازگشت به مطالعات وسیعی در باب کشور ایران پرداخت و به تحریر این دو مجلد مشغول شد» (کرزن، ۱۳۴۹، ج ۱: ۵-۴ مقدمه مترجم) احاطه او بر مسائل مربوط به امپراتوری بریتانیا همگی سبب شد وقتی در مورد لزوم حاکمیت غرب در شرق و هدایت آن توسط غربیان به خاطر ناتوانی که شرقیان در اداره کردن خود دارند، سخن می‌گفت که از صلاحیت قابل توجهی برخوردار باشد این صلاحیت ناشی از تکرار گزاره‌های گفتمان استعماری بود که با بازتولید آنها به حضور بریتانیا در ایران مشروعیت می‌بخشید؛ زیرا در این موقع بنا به دلایل انقلاب اکتبر روسیه بیداری ایرانیان در حال نضج گرفتن بود و حضور بریتانیا در ایران دیگر چیزی نبود که بتوان به آسانی از آن دفاع کرد از این‌رو لازم بود کرزن تصویرهایی از ناتوانی ایرانیان در اداره کردن خود ارائه دهد تا نشان دهد که ایران همچنان نیازمند حمایت و هدایت کشورهای اروپایی است. او در قالب هنجارها و گزاره‌های از پیش تعیین شده گفتمان استعماری تصویری یکدست از ایران بازنمایی کرده است که به توجیه اثر او در مورد ایران تأکید دارد «تصویری که من به خاطر بیان حقیقت از وضع حال حکومت ایران باز نموده‌ام سخت ملال‌انگیز است و تغییر و اصلاح مبانی اساسی آن نیک ضروری است» (کرزن،

۱۳۴۹: ج ۲/ ۶۰۲) «مردم ایران هنوز از نعمت تربیت هیچ بهره‌مند نشده‌اند و گرفتار تباهی محیط‌اند. تمدن در میان ایشان فقط از طریق تعلیم در مدرسه تعمیم خواهد یافت. رعایت قانون و احترام به ثبت قراردادها و عهدها و ایمان به درستی با تأسیساتی که این مقاصد را تأمین کند میسر خواهد گردید» (همان) گزاره‌های کتاب کرزن دربارهٔ مردمان ایران در بردارندهٔ مؤلفه‌های سنت غالب شرق‌شناسی است که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن را می‌توان به شکل زیر برشمرد:

ایجاد تمایز در ویژگی‌های غرب و شرق، که از نخستین عوامل طردگفتمانی است این تمایز به فراتری غرب و فروتری شرق تأکید دارند. مردمانی نابالغ و کم‌دان که به دلیل فقدان عقلانیتشان حمایتگری غرب را ضروری می‌سازد «امیرحسین، خان قوچان، مغزی هوشیار و کنجکاو دارد. آمیختگی رفتار کودکانه و هوش و زیرکی از اختصاصات اخلاقی اهالی مشرق زمین است» (کرزن، ۱۳۴۹: ج ۱/ ۱۶۰) «حظ مسافرت و اشتیاق وافر و بی‌اجر در راه دانش و معرفت، خاصیتی است که با سبک فکری شرقی منافات دارد» (همان) «تصویری که من به خاطر بیان حقیقت از وضع حال حکومت ایران باز نموده‌ام سخت ملال‌انگیز است و تغییر و اصلاح مبانی اساسی آن نیک ضروری است» (کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ۶۰۲) «بازنمایی ناتوانی ایرانیان در اداره کردن خویش: ایرانیان از عهدهٔ یورش راهزنان و مهاجمین برنمی‌آیند» (کرزن، ۱۳۴۹: ج ۱/ ۱۵۰) «تأمین صلح و آرامش خلیج فارس در گذشته و حفظ ثبات وضع فعلی آن (قرن ۱۹) وظیفهٔ انحصاری کشور ما است» (کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲/ ۴۷۹) تأکید بر تمایز ما و دیگری است «از آنجایی که درست آگاهم راه و رسم شرق و غرب به فاصلهٔ قطب جنوب تا شمال است و آنچه را که ما تمدن و آگاهی از روی شتاب ترقی می‌خوانیم در نظر اهل شرق مفهوم متفاوتی دارد و ملت‌های مختلف راه‌های خاصی برای نجات خویش دارند و به علاوه با آنچه در نزد ما کند و بطنی می‌نماید شاید دیگران را که با حقیقت سرعت هنوز مأنوس نشده‌اند سرعت بسیار در نظر آید».

(کرزن، ۱۳۴۹: ج ۲، ۶۰۳)

تصاویری دیگر از تمایزهایی که از نظر کرزن جزء ویژگی‌های پایدار مردم ایران در مقایسه با غرب هستند عبارتند از: «وزیران و والی‌های ایران فاقد حس ابتکار و حالت تسلیم و رضا نسبت به وضع حاضر دارند» (کرزن، ۱۳۴۹: ج ۱/ ۲۳۴) «عمدهٔ سفرنامه‌نویسان از «شرق تغییرناپذیر» در ایران صحبت کردند طوری که اگر ایرانیان را به حال خود بگذارید به سکون بیشتر گرایش دارند تا تحول. به همین سبب سفرنامه‌نویسان از نوعی تداوم و

استمرار فرهنگی در ایرانیان یاد کرده‌اند و از آن به عنوان «نبوغ بقا» و «زنده‌دلی فناپذیر» ایرانی که در بطن فرهنگ قرار دارد و در کلیت، آنها را دچار نوعی ایستایی و سکون کرده است، یاد می‌کنند» (رحمانی، ۱۳۹۶: ۱۰۲) «ایران شرقی تغییرناپذیر است» (کرزن، ۱۳۴۹: ج ۱/ ۳۲) «زندگی و محیط در مشرق زمین چون ایران هزاران سال است که بدون تغییر مانده است» (همان، ج ۱/ ۳۴) «ایران سرزمینی است که از لحاظ سازمان و مبانی اساسی فاقد همه چیز و در سنت‌های کهن شرقی سخت پابرجا است» (همان، ج ۲/ ۵۱۲) «ایرانیان هنوز بیدار نشده‌اند و همه چیز همان است که دو هزار سال پیش بوده است و همه چیز بر پایه ثبات است» (همان، ج ۱/ ۳۳) «فکر و روح مردم ایران در حال رکود و انجماد است و غنودن در این حالت را خوش دارند» (همان، ج ۲/ ۷۴۹)

تفکیک میان درست و غلط (تعیین هنجار و ناهنجار) دومین روال طرد برای تصویر کردن حقیقت شرق که به همراه یکپارچه‌سازی و تعمیم دادن انجام می‌شود که در جهت گسترش و بدیهی سازی از مؤلفه‌های شرق‌شناسی است، به عنوان مثال: کرزن **خصوصیت عمده ذهنیت ایرانیان را در ناتوانی آنان از درک و منطق این گونه تعمیم می‌دهد:** «برانگیختن یک فکر در ایران ضروری است که این ثروت گران خرج تعمیر راه‌ها، پل و سایر احتیاجات اساسی مردم شود» (همان، ۴۲۰) **نگاه کل‌نگرانه به نداشتن پشتکار و ابتکار عمل ایرانیان** «خط آهن ساخته شده به دست ایرانیان آن گونه که شایسته انتظار است به صورت خرابی افتاده است» (همان، ج ۱/ ۸۲).

خلاصه تصویریایی که در پس نظریات جرج کرزن نهفته است: همواره تمایزی اساسی بین شرقی‌ها و غربی‌ها وجود دارد و شرقی‌ها باید تحت کنترل باشند و این بدان معنی است که باید سرزمینشان تحت اشغال قرار گیرد، امور درونی‌شان تحت نظارت باشد. اینکه افرادی همچون جرج کرزن می‌توانستند ایران را در این مبانی اولیه نژادی و فرهنگی خلاصه کنند به هیچ وجه نشانه بدخواهی محسوب نمی‌شد، بلکه نشانه آن بود که یک نظریه کلی و فراگیر در پس نگاه آنان در مورد شرق وجود داشت. نظرات و رویکردهای جرج کرزن و امثال او این گونه بود که نظراتشان در خصوص مردمان مشرق زمین در همه‌جای مشرق زمین عینی است؛ اما مسأله اصلی آن است که درک شود این مردمان که کم‌وبیش تحت قیمومیت قانونی امپریالیسم هستند، خودشان فکر می‌کنند چه چیز برایشان بهتر است در حالی که افرادی نظیر جرج کرزن و سفرنامه‌نویسان، پایه استدلالشان این توجیه است که این «ما» هستیم که فکر می‌کنیم چه چیز برای قوم تحت حاکمیت ما مفید

است. از این رو سنت غالب شرق‌شناسی ملاکی را برای ارزیابی فراهم می‌کند که به کمک آن، سایر جوامع غیر غربی رتبه‌بندی می‌شوند و احساسات قدرتمند مثبت و منفی حول آن جمع می‌شود.^۳ پس از نشان دادن تصویر بازنمایی شده ایرانیان در اثر کرزن که نتیجه تأثیر و نفوذ سنت مسلم شرق‌شناسی در شیوه فهم او در بدیهی و معتبر دانستن گزاره‌هایی چون نیازمند هدایتگری شرق از جانب غرب است، در پژوهش حاضر برای به چالش کشیدن این نگاه حاکم تلاش شده است با به متن آوردن نگاه شرق‌شناسانی چون براون که در حاشیه سنت حاکم شرق‌شناسی قرار گرفته‌اند اعتبار تصویر در گفتمان مسلط، مخدوش و در نتیجه تعدد سنت‌های شرق‌شناسی و نه یکدستی آن‌ها نیز کشف شود.

۴. ادوارد براون و گسست از سنت حاکم شرق‌شناسی

ادوارد گرانویل براون (۱۹۲۶-۱۸۶۲) در خانواده‌ای مرفه در انگلیس متولد شد. به پیشنهاد پدرش پزشکی خواند. عواملی چون جنگ عثمانی و روسیه ۱۸۷۸-۱۸۷۷ توجه او را به جانب شرق جلب کرد. علاقه‌مندی او به ترکان و حکومت عثمانی انگیزه او را برای خدمت در ارتش عثمانی برانگیخت. همین سفر به استانبول، زمینه آشنایی او با ایران را رقم زد «براون در جولای ۱۸۸۲ از نیوکاسل عازم مدیترانه شد و از آنجا به استانبول رفت او در اقامت سه‌ماهه خود در استانبول قصد داشت حداکثر استفاده را ببرد، دو معلم به نام‌های نظام‌الدین و بهاء‌الدین پیدا کرد. نظام‌الدین دستور زبان ترکی و فارسی، اصول اساسی اسلام و مبانی تصوف را به او آموخت. بهاء‌الدین که خود صوفی بود براون را وارد عالم عرفان کرد (جوادی الف، ۱۳۹۶: ۲۶) علاقه براون به فرقه‌های عرفانی نوظهوری چون بابیه سبب شد برای مشاهده وضع بایبان به ایران بیاید در این میان به یک فرقه دگراندیش دیگر تاریخ ایران یعنی حروفیه نیز علاقه‌مند شد و تحقیقات عمده‌ای در این باره پرداخت (رک جوادی الف، ۱۳۹۶: ۱۶۳). سفرنامه یک سال در میان ایرانیان حاصل همین سفر او به ایران است. این سفر سبب شد براون از تصورات جوانی خود برای خدمت در ارتش عثمانی دست بکشد، چون جنگ روس و عثمانی به پایان رسیده بود، علاقه‌مندی او در مورد ادبیات ترکی تحت‌الشعاع شیفتگی او به ادب و عرفان فارسی قرار گرفت؛ به همین خاطر براون در استانبول کوشید با ایرانیان مقیم آنجا مراوده برقرار کند، در بازار استانبول فرش‌فروشی تبریزی به نام محمدعلی را پیدا کرد که اهل کتاب بود و نسخه‌ای از لیلی و مجنون را به او داد. از طریق محمدعلی با ایرانیان دیگری در استانبول آشنا شد و کتاب‌فروشی ایرانی را به

نام اسماعیل آقا در کنار جامع سلطان سلیم پیدا کرد و نسخه‌های خطی چندی از او خریداری کرد. او در همین سفر با آقا محمد طاهر، مدیر روزنامه اختر آشنا شد و بعدها با نویسندگان بنام اختر، چون میرزا حبیب اصفهانی و میرزا آقاخان کرمانی آشنایی پیدا کرد و خود شروع به نوشتن مقاله برای این روزنامه کرد (جوادی الف، ۱۳۹۶: ۲۶) سرانجام براون به خاطر دل‌زدگی از جدال‌های بین دو فرقه (باب و بهاء) فعالیت عمده‌اش را به نفع مشروطه خواهان متمرکز می‌کند. در واقع برگ دیگر زندگی براون با فعالیت‌های سیاسی و کمک‌های او در انقلاب مشروطیت ایران همراه شد و توجه او به ادبیات مشروطه ایران از احساسات سیاسی وی در مخالفت با استعمار برای حمایت از استقلال و آزادی ایران نشئت گرفته بود. (رک تقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۷) در اثر معاشرت با کسانی چون سید جمال، ملک‌خان، محمد عبده و ویلفرد بلانت و مکاتبه با دوستانی چون روحی کرمانی، میرزا آقاخان و میرزا حبیب اصفهانی عقاید سیاسی او تحول می‌یابد. در اواخر دهه ۹۰ در حالی که با پان‌اسلامیسم سید جمال زیاد موافق نیست از حقوق ملل اسلامی دفاع می‌کند و در کتابی که در سال‌های آخر قرن در مورد سیاست خارجی بریتانیا منتشر می‌شود مقاله مربوط به عالم اسلام را می‌نویسد. شاید بشود گفت که در سفر مصر و بیشتر تحت تأثیر ویلفرد بلانت می‌خواهد با سیاست استعماری انگلیس و سایر ممالک اروپایی مبارزه کند و از پاییز ۱۹۰۷ عملاً وارد فعالیت سیاسی به نفع مشروطه خواهان می‌شود (جوادی الف، ۱۳۹۶: ۴۷)

۱.۴ پژوهش‌های تاریخی و ادبی براون

براون در ایجاد تحقیقات ادبی و تاریخی جدید درباره ایران بی‌شک سهم عمده‌ای داشته است. فعالیت‌های براون در حوزه شرق‌شناسی موارد گسترده‌ای در بر گرفته است که شامل: «تهیه فهرست برای نسخه‌های خطی، پی‌جویی نسخه‌های خطی در کتابخانه‌ها یا نزد اشخاص مختلف و شناساندن آنها، ایجاد وسیله‌ای برای چاپ کتاب‌های مهم درباره خاورمیانه خواه متون کلاسیک خواه آثار تحقیقی. ایجاد اوقاف گیب که از این لحاظ برای براون موفقیت بزرگی به شمار می‌رفت. او علاوه بر اوقاف گیب مجموعه دیگری تحت عنوان «متون تاریخی فارسی» به وجود آورد که خرج چاپ آن را خودش عهده‌دار بود. از مجموعه اخیر تذکره دولتشاه سمرقندی را در ۱۹۰۱ و دو جلد از لباب‌الالباب را با همکاری قزوینی در ۱۹۰۳ و ۱۹۰۶ چاپ کرد. او در دهه اول تأسیس اوقاف گیب ترجمه تاریخ طبرستان را در ۱۹۰۵، ترجمه تاریخ رسوله یمن از ردهاوس را با همکاری نیکلسون

و راجرز در ۱۹۰۶ و *المعجم فی معاییر اشعار العجم* را در ۱۹۰۹ و *تاریخ گزیده و نقطه الکاف* را در ۱۹۱۰ انجام داد. پیش تر نیز ترجمه *چهارمقاله نظامی عروضی* را در ۱۸۹۹ در ژورنال *آزیاتیک چاپ* کرده بود. عناوین این کتاب‌ها نشان می‌دهد که براون در حالی که روی تاریخ ادبی ایران کار می‌کرد و دو جلد آن را منتشر کرده بود، در نشر و معرفی متون تاریخی ایران بسیار می‌کوشید و از همکاری با قزوینی بهره‌مند بود. براون سبب شد عده‌ای از علمای شرقی آثار خود را در انگلستان یا هلند چاپ کنند. قزوینی، تقی‌زاده، ایرانشهر، اقبال لاهوری، از زکی ولیدی طوغان و بسیاری دیگر از علمای خاورمیانه از حمایت او در نشر آثار مختلف سود بردند، در بعضی موارد هم از او شیوه تحقیقات ادبی را یاد گرفتند. قزوینی یکی از عمده‌ترین ادیبان و محققانی است که روش تحقیق جدید را به ایران آورد و با دقت و امعان نظر خاصی که داشت، آن را در کارهای خود نشان داد. البته این نتیجه سال‌ها سکونت در اروپا و معاشرت با مستشرقین متعدد بود. یکی از خدمات عمده براون، فهرست کردن نسخ خطی عربی، فارسی و ترکی کتابخانه دانشگاه کمبریج بود و او در این کار تقی‌زاده و تربیت را به کار گرفت. معلوم است که طرفین از این کار استفاده می‌بردند و برای ایرانیان هم سبب آشنایی با شیوه‌های جدید کتابشناسی و فهرست‌نویسی بود و هم ممر درآمد» (جوادی الف، ۱۳۹۶: ۳۷۳-۳۷۲).

فعالیت‌های ادبی براون گستره زیادی را در بر گرفته است «او قصد داشت در پاسخ کسانی که منکر پیشرفت ارزشمندی ادبیات فارسی در چهار سده اخیر بوده‌اند ادبیات جدید ایران را به اروپا معرفی کند در پی این هدف به حوادث تاریخی ایران بعد از صفویه که یکی از شاخصه‌های مهم آن به نظر او میهن‌پرستی است توجهی ویژه نشان داده است. جلد چهارم تاریخ ادبیات ایران «تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر» است. فصل دهم آن به «ترقیات سال‌های اخیر» یعنی از سال ۱۸۵۰ م. به بعد اختصاص دارد و در آن به علل تجدد و تحول ادبی پرداخته است. براون کتابی دیگر نیز با عنوان «تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت» تألیف کرده است که به منزله جلد پنجم از «تاریخ کبیر ادبی ایران» و به گونه‌ای «تاریخ منظوم انقلاب» است» (براون الف، ۱۳۳۵: ۹) وی در سال ۱۹۰۹ کتاب *بررسی مختصر اتفاقات اخیر ایران* (A short account of recent events in persia) و در سال ۱۹۱۰ *تاریخ انقلاب ایران* از ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۹ و در سال ۱۹۱۴ *مطبوعات و اشعار ایران جدید* را منتشر کرد که همه اینها بدین منظور بود که باور خود در مورد بیداری ایرانیان را نشان دهد.

براون در دیباچه تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت در رد مخالفین استعداد و بیداری ایرانیان - که منکر پیشرفت ارزشمندی ادبیات فارسی در چهار سده اخیر بوده‌اند، ادبیات جدید ایران را به اروپا معرفی کرد - نوشته است: «مقصود از جمع و نشر این اشعار آن است که برای برخی از متبیین ادبیات ایران که اغلب منکر وجود روح ادبی در ایران کنونی بوده و تصور می‌کنند که طوطی شکر گفتار طبع شعرا و ادبای اعصار گذشته ایران از نطق فرومانده، ثابت نمایم که آن طبع گهربار ایرانی که اشعار آبدار قدیمه را به وجود آورده است، نمرده است، این‌جانب با این عقیده اشتراک ندارم و قبول آن را دور از انصاف می‌دانم. آن روح فناپذیر مانند آفتابی جلوه‌گر گشته است. اینک نمونه‌ای از ادبیات وطنی و سیاسی را که آن را ثمره انقلاب اخیر ایران باید شمرد برای اثبات عقیده خود به نظر ارباب تتبع می‌رسانم» (براون الف ۱۳۳۵: ۶۳-۵۹). در واقع براون علل ظهور ادبیات مشروطه و آثار ادبی این دوره را از بیداری شاعران و نویسندگان نسبت به مسؤولیت تاریخی در تعیین سرنوشت خود و انگیزه برای رهایی از استبداد دانسته است.

در تأیید همین اعتقاد به هنرمندان و منتقدین ایرانی در تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت می‌نویسد «این نمونه ادبیات جدید به خوبی ثابت می‌کند که روح شعر و طبع سخن‌پروری در ایران معدوم نشده و تأثیر بزرگی در آتیه این ملت به ظهور خواهد آورد. این نمونه مختصر از ادبیات وطنی و سیاسی فارسی در نظر دقت مستشرقین ادبیات فارسی را جلب نموده و ملت ایران را نیز از صمیم قلب تهنیت می‌گویم که چنین نوعروس بکر معرفت را به منصفه ظهور جلوه آورده است» (همان).

براون مردمان ایران را افرادی تصویر می‌کند که به بیداری رسیده‌اند از این روی این تصاویر از گزاره‌ها و پیش‌فرض‌های سنت غالب شرق‌شناسی فاصله دارد. او در سفرنامه یک سال در میان ایرانیان، مردم ایران را این‌گونه توصیف کرده است: «مردم ایران دارای سرعت انتقال، حساسیت بسیار و تیزهوشی ذاتی و استعداد یادگیری بالایی دارند». (براون ج، ۱۳۸۴: ۱۲۰) براون با باور بر بلوغ فکری ایرانیان با آوردن اشعار سرایندهگان ایرانی مخالفت خود را با استبداد خاندان قاجار نشان می‌دهد. بدین طریق تصویری از بیداری و استعداد و هوشیاری و فهم ایرانیان از شرایط را در بزنگاه‌های تاریخی نشان داده است. برای نمونه اشعار دهخدا را در فتح تهران که با رشادت و هوشیاری ملیون ایران به انجام رسید نمونه‌ای از خصایص مثبت ایرانیان ذکر کرده است:

دهخدا در پیروزی ملیون و فتح تهران

اهل گیلان همه یک مرتبه هوشیار شدند
از حقوق وطن خویش خبردار شدند
دزدی امشب نتوان کرد که بیدار شدند
شحنه در داد ندا، آخ چه کنم واخ چه کنم؟...
اصفهان در کنف حضرت صمصام آمد
کار تبریز با سردار بانجام آمد
(براون الف، ۱۳۳۵: ۱۶۶)

منتخبی از اشعار سید اشرف‌الدین گیلانی مرتبط با کودتای عقیم استبداد صغیر در سال ۱۹۰۷ که نشانگر روحیه انتقادی و بیداری ایرانیان نسبت به سرنوشت کشور خویش است:

مشروطه چو در عقل و چو در شرع صحیح است
هر کس کند انکار ز جمع عقلا نیست
امسال دو سال است که مشروطه شد ایران
پر شد در و دیوار ز شب‌نامه و اعلان
کو مجری قانون و چه شد همت مردان
افسوس که ما را هوس صلح و صفا نیست
هر ملک که علمش همگی قال و مقالست
قانون به چنین مملکتی راهنما نیست
(براون الف، ۱۳۳۵: ۱۳۶-۱۳۵)

براون با باور بر هوشیاری و توانایی ایرانیان در سرنوشت کشور خویش با آوردن اشعار سرایندگان ایرانی در اثرش مخالفت خود را با تصمیمات بریتانیا و روسیه در خصوص ایران نشان می‌دهد. این قصیده در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۲ م با عنوان «به جناب سر ادوارد گری: یک هدیه ناقدانه» در روزنامه حبل‌المتین کلکته منتشر شد و گوینده آن ملک‌الشعرای بهار است که براون در کتاب **تاریخ مطبوعات** خود آورده است:

سوی لندن گذر ای پاک نسیم سحری
سخنی از من برگو به سر ادوارد گری
که ای خردمند وزیری که نپرورده جهان
چو تو دستور خردمند و وزیر هنری
ور بدی رای تو دایر به حیات ایران
این همه ناله نمی ماند بدون اثری
بی خودانه به تمنای زبردست حریف
در نهادی سر تسلیم، زهی خیره‌سری
اندر آن عهد که با روس بیستی زین پیش
غبن‌ها بود و ندیدی تو ز کوه نظری
ور همی گوی روس از سر پیمان‌نرود
رو به تاریخ نگر تا که عجایب نگری
(براون، الف ۱۳۳۵: ۲۵۰)

اعتراض براون به قرارداد ۱۹۰۷ علیه روسیه و بریتانیا بر باور او نسبت به قدرتمندی ایرانیان در تصمیم‌گیری سرنوشت کشور ریشه دارد «دولت انگلیس با بستن قرارداد ۱۹۰۷

با روسیه علیه ایران نشان داد این رفتار با دعوی آزادیخواهی و حمایت مورد انتظار از او منافی بود، پس شایسته است که مردم انگلستان در پیشگاه قضاوت وجدانی خود، تأثیر این قرارداد را در افکار عمومی ایران در نظر گیرند؛ زیرا اکنون آزادی مطبوعات ایران رشد کرده و در آنجا چنین آزادی در چند سال پیش وجود نداشت» (براون د، ۱۳۳۸: ۱۷۶).

۲.۴ کنش‌های اجتماعی و سیاسی براون

براون بارها در کتاب *انقلاب/ایران* در طی نامه‌نگاری با مشروطه خواهان، ایرانیان را دارای استعداد و آگاه به مسائل روز و توانا به اداره کردن کشور خود می‌داند. به عنوان مثال درباره تقی‌زاده از مشروطه خواهان مهم گفته است «تقی‌زاده به خوبی از افکار پلتیکی کنونی اروپا آگاه بوده با اخلاص، اراده و عارف به مقتضیات زمان و نیت جامعه با صراحت حرف می‌زند و روی هم رفته مرد شایان توجهی است» (براون د، ۱۳۳۸: ۱۵۰) از دید براون، ثبت بیانیه‌ها و اشعار مشروطه خواهان ایرانی در آثار مرتبط با دوره مشروطه بر توانایی ایرانیان و خردمندی آنان گواه است ترقی روحیه و فکر مردم و جایگزینی طرزی نوین به جای وضع کهن را قابل ستایش دانسته و از اینکه مردم خود را از قید بندگی رها ساخته و تحمیلات ستمگرانه را یکی پس از دیگری از دوش برداشته آرام‌آرام به مسؤولیت تاریخی خود که آغاز خردمندی است پی می‌بردند، مورد ستایش قرار می‌دهد (براون د، ۱۳۳۸: اغلب صفحات).

به عنوان مثال: براون با ذکر سرمقاله روزنامه حبل‌المتین درباره قرارداد ۱۹۰۷ باور خود را به بلوغ فکری ایرانیان نشان می‌دهد: «نه صغیر هستیم که قیم بخوایم و دیوانه و مجنون که ولی لازم داشته باشیم اگرچه مخبر الملک در پارلمان می‌گوید ملت ایران لله لازم دارد که این حرف به کلی باطل است ایرانی به حد رشد رسیده لله لازم ندارد اگر لله لازم داشت صاحب پارلمان نمی‌شد... اگر رشد ندارد حق وکیل انتخاب نمودن هم ندارد امروز لازم است که وزیر خارجه ایران به دولتین اطلاع بدهد که بدون اطلاع درباره ایران هر معاهده‌ای راجع به ایران منعقد شود باطل است هر دولتی با ایران خیال ارتباط دارد باید مستقیماً به خود ایرانیان طرف شده، سؤال و جواب نماید» (براون د، ۱۳۳۸: ۱۸۷) ایرانی‌ها از منظر براون در اندک زمانی در روحیه، افکار، پیشرفت‌های برجسته‌ای کردند که همانند و همدوش آنان را به آسانی نمی‌توان یافت (همان: ۲۵۴).

براون از شماره چهارم و هشتم روزنامه نسیم شمال مورخ ۱۱ اوت ۱۹۰۹ م شعری از تهنیت پیروزی ملیون و تسخیر تهران از طرف آزادی خواهان، خلع محمدعلی شاه، سروده شده که فقط دو هفته بعد از وقوع این حوادث انتشار یافته است که از نظر براون لایق دقت است (رک. براون الف، ۱۳۳۵: ۱۷۴).

ملتی را راحت از مشروطه سرتاسر نگر	در نگر عالم عالمی دیگر نگر
در معارف دشمنان علم را نابود کن	جود کن، جهل را مفقود کن
پارلمان را از وکیلان صحیح آباد کن	در معارف دشمنان علم را نابود کن

(براون الف، ۱۳۳۵: ۱۷۵)

براون «می‌کوشید تصورات منفی و اغلب متضاد درباره جوامع شرقی را که در محافل امپریالیستی و به لحاظ فرهنگی شوونیست انگلستان رواج داشت و جوامع را به لحاظ تاریخی ایستا و بی‌ثبات قلمداد می‌کرد، درباره ایران از بین ببرد. براون برای ایران نوعی خلاقیت و هوشمندی تاریخی و فرهنگی قائل می‌شد» (بنکداریان، ۱۳۹۲: ۲۰۹) او در فتح تهران توسط ملیون و خلع محمدعلی شاه در ستایش ایرانیان می‌گوید: «کلید حوادث از دست بیگانگان گرفته شد و یک بار دیگر به دست صاحبان خود افتاد از این پس آینده ایران با خود ایرانیان است آنها تأثیر درخشان به کودتای خود بخشیدند. روش خردمندان و میانه‌روی را در دم پر آشوب در پیش گرفته و به طور روشنی در مسیر آرزوها به سوی هدف آرمان خود راه می‌پیمایند» (براون د، ۱۳۳۸: ۳۵۴) «من به جرأت می‌گویم که با وجود نداشتن راهنما در رئوس مسائل، اجتماعات، ائتلافات و برنامه مبارزه، حقیقت بیشتر و عزم راسخ‌تری در این کشمکش ایرانی از سیاست خود ما انگلیسی‌ها بوده است» (براون د، ۱۳۳۸: ۳۳).

سخنان پایانی براون در مورد پیروزی مشروطیت ایرانیان، باور راستین وی به هوشمندی تاریخی و فرهنگی آنان را نشان می‌دهد «ملاحظه می‌کنید چگونه مردم ایران پس از رنج بسیار به آرزو و آرمان خود رسیدند آنها باید بدانند که بدکاران همواره در ترس به سر می‌برند و فرزندان ملت با دلی پر از امید پیش می‌روند و به بلندترین جایگاهی در تمدن می‌رسند، باده نادانی از هر نوشابه مست‌کننده‌ای بدتر است، بی‌پروایان در لابه‌لای سینه خود جراحاتی دارند در این روزها به ظاهر حلال مشکلات، پول یا زور است ولی با نبودن یکی

یا هر دوی آن‌ها، تنها اراده یا تصمیم قاطع و اتحاد وسیله کامیابی است» (براون د، ۱۳۳۸: ۳۶۳).

بنابراین طرد کردن گزاره‌هایی چون صغارت فکری ایرانیان که در سنت حاکم شرق‌شناسی از طریق ایجاد تمایز ذاتی بین ما و دیگری، پایه و شالوده تفکر غربیان در بازنمایی از ایران را رقم زده است در رویکرد ادوارد براون وجود ندارد. او انقلاب مشروطیت ایرانیان را تاریخ بیداری آنان می‌داند. نگاه او در تصویری که از ایرانیان نشان داده است مبتنی بر بازتولید پیش‌فرض‌های گفتمان غالب شرق‌شناسی نیست. براون با آوردن اشعار مرتبط به سرایندگان ایرانی باور خود به خردورزی و هوشمندی در بزنگاه‌های تاریخی را بیان داشته است.

۵. نتیجه‌گیری

اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم آگاهی نوینی درباره مشرق زمین آغاز شد و شرق‌شناسی به مثابه مجموعه‌ای از دانستنی‌های غرب درباره مشرق زمین پا به مرحله نوین نهاد. زمانی که شرق به عنوان مقوله شناختی وارد نظام معرفت‌شناختی غرب شد حوزه آکادمی و استعماری شرق‌شناسی نیز آغاز شد. از آن پس غربیان در نظام سرمایه‌داری با دیالکتیک دانش/قدرت به ساخت حقیقت شرق دست زدند شرقی‌ها با یکدست‌سازی به عنوان گزاره‌هایی مبنی بر نابالغی و نیازمند مداخله‌گری غرب تصویر شدند.

این شیوه شناخت در جهانگردان نیز نفوذ کرد. آن چنان که شناخت کرزن از شرقی‌ها از خلال مطالعات قدما، شکل گرفته بود و در اثر خود، گزاره‌ها و پیش‌فرض‌هایی را که در گفتمان مسلط شرق‌شناسی بود، بازتولید کرده است؛ اما در کنار تصاویر مطرح در نگاه کرزن که متعلق به سنت غالب شرق‌شناسی است تصویرهایی هم مبنی بر بیداری و بلوغ و اتکاء عمل ایرانیان وجود دارد از جمله آنها نگاه ادوارد براون به ایران است که تصویرهایش از ایران با گزاره‌های بدیهی سنت غالب شرق‌شناسی فاصله دارد و رویکردش در حاشیه سنت شرق‌شناسی قرار دارد با به متن آوردن نگاه ادوارد براون که در حاشیه سنت حاکم شرق‌شناسی قرار گرفته است اعتبار تصویر در گفتمان مسلط فرو ریخته و در نتیجه، سنت شرق‌شناسی را از یکدستی خارج کرده است این تشبث تصاویر نشان از تعدد سنت‌های شرق‌شناسی (و نه یکدستی آن) دارد. بازنمایی تصویر ایران در رویکرد براون امکان سخن

گفتن ایران به جای خود را ممکن ساخته و با این امر تصویر نیازمند حمایت و نماینده بودن غرب برای ایرانیان در گفتمان شرق‌شناسی کرزن برهم ریخته است. از جمله کسانی که به تصاویر سنت غالب شرق‌شناسی انتقاد کرد، سعید بود او برای به چالش کشیدن این تصاویر به نگاه‌های در حاشیه مانده توجه کرد و به متن آوردن تصاویر حذف و طرد شده را راه حل پدیدار شدن شرق بدون پیش‌فرض‌های حاکم دانست. در پژوهش حاضر ثابت شد بازنمایی که براون از ایرانیان به دست داده از پیش‌فرض‌های گفتمان غالب شرق‌شناسی فاصله دارد. براون با ثبت و انتشار اشعار مرتبط به سرایندگان ایرانی عصر مشروطیت، هم مخالفت خود با استبداد علیه ایران و هم باور خود به توانایی ایرانیان در اداره کردن کشور خود و هوشمندی آنان در تعیین سرنوشت خود را نشان داد.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک. حسن جوادی در مورد براون. جوادی. تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی، یا کتاب ادوارد براون و ایران یا منصور بن‌کداریان در کتاب بریتانیا و انقلاب مشروطه ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶) سیاست خارجی، امپریالیسم و اپوزیسیون
۲. «گفتمان را نباید مجموعه چیزهای گفته‌شده یا شیوه گفتنشان فهمید، بلکه به همان اندازه، گفتمان در آنچه گفته نمی‌شود مشخص می‌شود» (فوکو، ۱۳۹۰: ۲۰۳) تئاتر فلسفه. مقاله گفتمان را نباید فهمید.
۳. برخی تعبیر برگرفته از ترابی، فاطمه (۱۳۸۹). *بازنمایی زن ایرانی در آثار سفرنامه‌نویسان غربی*، راهنما: مهدی محسنیان راد، جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی. ص ۳۷ است.

کتاب‌نامه

- الویری، محسن (۱۳۹۶). *مطالعات اسلامی در غرب*، چ هشتم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
- امام، سید عباس (۱۳۹۶). *انیرانی در خدمت و تمدن ایرانی*، چ اول، تهران: شرکت بین‌المللی پژوهش و نشر یادآوران
- بابامیر، ساطحی، محمد (۱۳۹۶). *اردیبهشت*. «لرد کرزن و نگاه به ایران بر اساس شرق‌شناسی ادوارد سعید»، استاد راهنما: جلیل دارا، اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

- براون الف، ادوارد (۱۳۳۵). *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ترجمه و تعلیقات: محمد عباسی، ج ۱ و ۲، بی‌چا، تهران: کانون معرفت
- براون ب، ادوارد (۱۳۷۱). *نامه‌های براون به سید حسن تقی‌زاده*، به کوشش عباس زریاب و ایرج افشار. چ دوم، تهران: امیرکبیر
- براون ج، ادوارد (۱۳۸۴). *یک سال در میان ایرانیان*، ت: مانی صلاحی علامه، چ اول، تهران: اختران
- براون د، ادوارد (۱۳۳۸). *انقلاب ایران*، ترجمه و حواشی: احمد پژوه (مبشر همایون)، چاپ دوم، تهران: کانون معرفت
- بنکداریان، منصور (۱۳۹۲). *بریتانیا و انقلاب مشروطه ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۶) سیاست خارجی، امپریالیسم و اپوزیسیون*، ترجمه: کاظم فیروزمند، چاپ اول، تهران: نامک
- ترابی، فاطمه (۱۳۸۹). *بازنمایی زن ایرانی در آثار سفرنامه‌نویسان غربی*، راهنما: مهدی محسنیان راد، جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد، رشته مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبایی
- تقی‌زاده، سید حسن (۱۳۹۶). «به یاد ادوارد براون»، گردآوری: علی دهباشی، *مجله بخارا*، سال بیست و یکم. شماره ۱۲۲ بهمن-اسفند. صص ۱۷۰-۱۹۱
- جوادی الف، حسن (۱۳۹۶). *ادوارد براون و ایران*، چاپ اول، تهران: فرهنگ نشر نو
- جوادی ب، حسن (۱۳۹۶). *تاثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی*، چ اول، تهران: سمت
- دسوقی، دکتر محمد (۱۳۷۶). *سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی*، ت: دکتر محمدرضا افتخارزاده، چ اول، تهران: هزاران
- رحمانی، جبار و حسین میرزایی (۱۳۹۶). *ایرانی از نگاه «دیگری» منطق فهم ایران در سفرنامه‌ها*. چ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات
- سردار، ضیاءالدین (۱۳۸۷). *شرق‌شناسی*، ت: محمدصادق قاسمی، چ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- سعید الف، ادوارد (۱۳۹۴). *شرق‌شناسی*، ت: لطفعلی خنجی، چ سوم، تهران: امیرکبیر
- سعید ب، ادوارد (۱۳۷۹). *اسلام رسانه‌ها*، ت: اکبر افسری، چ اول، تهران: توس
- سعید ج، ادوارد دلیو (۱۳۸۸). *فرهنگ زنانه مقاومت: گفتگو با ادوارد سعید/ طاروق علی*، ت: آرش جلال منش، چ اول، تهران: چشمه
- سعید ح، ادوارد (۱۳۸۲). *فرهنگ و امپریالیسم، بررسی فرهنگی سیاست امپراتوری*، ت: اکبر افسری، چ اول، تهران: توس
- سعید د، ادوارد (۱۳۷۷). *جهان، متن و منتقد*. ترجمه: اکبر افسری، چ اول، تهران: توس
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۷۷). *فقه سیاسی اسلام اصول سیاست خارجی*، قم: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی

شیبانی، ژان (۱۳۵۳). *سفر اروپاییان به ایران*. ت: سید ضیاءالدین دهشیری، بی چا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

فوکو، میشل (۱۳۹۰). *تئاتر فلسفه*. مقاله «نقد چیست؟» ت: نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده. چ دوم، تهران: نی

قانون پرور، محمدرضا (۱۳۹۳). *در آینه ایرانی تصویر غرب و غربی‌ها در داستان ایرانی*، ت: نجف زاده، چ اول، تهران: تیسرا

کرزن، جورج ناتالین (۱۳۴۹). *ایران و قضیه ایران*: ج ۱ و ۲، ت: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: بنگاه و ترجمه و نشر کتاب

معمدی، محمدصادق (۱۳۹۵). *زایش «جنون» در اندیشه فوکو*، چ اول، تهران: علم

میلز، سارا (۱۳۹۵). *میشل فوکو، ترجمه: مرتضی نوری*، ت: چ سوم، تهران: مرکز